

یادداشت روز

دنیا و آخرت



شela لاهیجی

● از من سؤال می‌کنند در نمایشگاه حضور خواهم داشت یا نه. اگر من هم در نمایشگاه نباشم، «روشنگران» در نمایشگاه هست. در جواب رسانه‌ها می‌گویم حضور من در بیست‌ونهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در محل شهر آفتاب در حقیقت حضوری نامحسوس، مختصر و نامفید است و هرکدام از این صفات دلایل خود را دارد. نامحسوس از این نظر که برخلاف سال‌های پیش که تقریباً تمام روزم، حتی قبل از ساعات شروع نمایشگاه در محل نمایشگاه بین‌المللی تهران می‌گذشت، در بیست‌ونهمین نمایشگاه نمی‌توانم حاضر شوم؛ حتی برای چندساعت. شاید مشککش سن‌وسال من باشد و عدم آمادگی امکانات رفاهی نمایشگاه. شنیده‌ام بزرگ‌ترین مشکل برای بازدیدکننده و ناشر در نخستین روز نمایشگاه، وضعیت دستشویی‌ها بوده است. هنوز بعد از ۲۹ یا یاد نگرفته‌ایم که حداقل‌ها را برای مردم فراهم کنیم. حداکثرها که جای خود دارند. پارکینگ هم قفسه دیگری است. در روزهای تعطیل، از پارکینگ بهشت‌زهر(اس) استفاده می‌شود. یکی از بازدیدکنندگان که در حقیقت از دوستان من بود، روز جمعه تلفن کرد و گفت عازم نمایشگاه بوده که از بهشت‌زهر(اس) سر درآورده. از من راه خروج از بهشت‌زهر(اس) را می‌پرسید. به او گفتم که باز اگر راه ورود به نمایشگاه را می‌پرسیدی یک حرفی. اما راه خروج از بهشت‌زهر(اس) را چطور می‌نشانت بدهم. بهتر است اول یک زیارت اهل قبور بکنی و بعداً به زیارت اهل کتاب بروی. در نتیجه، هم آخرت را داری و هم ان‌شاءالله این دنیا را...

گالری گردی

«بی‌وزنی» میرزازایی در گالری الهه

● شرق: نمایشگاهی از آخرین آثار علیرضا میرزازایی با نام «بی‌وزنی» از امروز ۲۳ اردیبهشت تا دوم خرداد در گالری الهه برگزار می‌شود. میرزازایی در تابلوهای جدیدش به روال کارهای همه این سال‌ها شرایط زیستی انسان‌ها را در نظر داشته و تجربه اضطراب و نگرانی را بازنمایی کرده است. انسان‌ها در جهان ذهنی میرزازایی اغلب از جایگاه خود کنده شده و شکلی از عدم تعلق و بی‌وزنی دلهره‌آور به نمایش می‌گذارند. آثار میرزازایی همان‌طور که نصرت‌الله مسلمیان گفته، در زمانه‌ای حضور خود را به رخ می‌کشند که ارزش مبادله بر جامعه حاکم است و بخشی مهمی از دستاوردهای کیفی به معادل‌های کمی تبدیل شده. آثار این نقاش جوان به شکلی تأثیرگذار و قانع‌کننده نوید حضور نقاشی موفق را می‌دهد که درک هنر و هنرمند از جایگاه اجتماعی خویش را یادآوری می‌کند. علیرضا میرزازایی، نقاش ۳۳ ساله، از دوران طفولیت ناشنوای کامل است. او دیپلم خود را از هنرستان هنرهای تجسمی پسران تهران گرفت و پس از آن وارد دانشگاه شد و مدرک فوق‌لیسانس نقاشی را اخذ کرد. او در سال‌های ۷۵ تا ۸۰ نمایشگاه‌های انفرادی بسیاری را برگزار کرد اما به دلیل مشکلات شخصی، فعالیت‌های خود را متوقف کرد و شروع دوباره کار وی از سال ۹۱ بود که منجر به برگزاری نمایشگاهش در گالری الهه شد. میرزازایی هم‌اکنون در هنرستان سیدجمال‌الدین اسدآبادی مشغول تدریس است. گالری الهه در بلوار آفریقا، منتهای کلفام، خیابان نازنین، بن‌بست امینی، شماره ۳ واقع است. علاقه‌مندان می‌توانند هرروز از ساعت چهار تا هشت بعدازظهر از این نمایشگاه بازدید کنند.

فرهنگ و هنر اصیل ایرانی، ازجمله موسیقی، هیچ اطلاعی از متن و محتوای این حکم نداریم. اما هم من و هم بسیاری از کسانی که علاقه‌مند به گسترش فرهنگ و هنر ایرانی هستیم، می‌دانیم مهم‌ترین عامل برای نفوذ هر فرهنگی، با موسیقی شروع می‌شود. این البته گفته من و ما نیست. گفته افلاطون و ارسطوست که قرن‌ها قبل گفتند اگر بخواهید در فرهنگی نفوذ و آن را از درون متلاشی کنید، با موسیقی به سراغ مردمانش بروید.

حال در چنین شرایطی که موزیسینی چون کیهان کلهر که یکی از دغدغه‌های همیشگی‌اش



ابوالحسن مختاباد

خبرگزاری‌ها از لغو کنسرت کیهان کلهر و گروه همراه در شهر نیشابور خبر دادند؛ آن هم به دستور دادستان این شهر، دستوری شفاهی که حتی تلاش مدیرکل ارشاد که دستوری مکتوب بدهید نیز در برابر آن ثمری نداشت و آقای دادستان درنهایت همه را تسلیم دستور شفاهی خویش کرد. نگارنده و بسیاری از شفیقتگان

نیشابور و پروژه نفوذ

در عمر چندین‌دهه‌ای موسیقی‌اش، گسترش و ترویج سپهر تمدنی موسیقی ایرانی است و این را نامزدی او در چهار مرتبه در جایزه گرمی به اثبات رسانده و کنسرت‌هایش و تک‌نوازی‌ها و هم‌نوازی‌هایش نیز تأیید است بر دغدغه‌های فرهنگی این چهره پرتلاش موسیقی ایرانی، لغو این کنسرت چه معنایی می‌دهد؟

آیا دادستان نیشابور هنگام لغو این کنسرت خبر داشته یا دارد که کیهان کلهر همان کسی است که آلبوم «شب سکوت کویر» را آهنگ‌سازی کرده است که یکی از درخشان‌ترین آثار در معرفی موسیقی خراسان و منطقه نیشابور است؟

دستمزدهای تئاتر در گفت‌وگو با ابراهیم‌زاده، آدینه و معجونی

بلا تکلیفی آفت است

تئاتر به آنها داده شده و در نتیجه دیگران احساس اجحاف و تبعیض کرده‌اند. با توجه به اینکه هر کارگردانی حق دارد از هر چهره‌ای در کارش استفاده کند و وقتی یک چهره شناخته‌شده می‌آید، به صرف اینکه اولین حضورش در صحنه است، بعید به نظر می‌رسد که حاضر باشد حداقل دستمزد قرارداد تیپ را بگیرد؛ کارگردان هم نمی‌تواند به او چنین پیشنهادی کند. یادم هست اوایلی که قرارداد تیپ اجرا شد، یکی از همکارانم وقتی متوجه شد فلان بازیگر، دوبرابر او دستمزد گرفته، باور کنید از عصبانیت به آستانه انفجار رسیده بود! این یک نمونه بود که من دیدم و بعد دعوای مفصلی بین او و کارگردان در گرفت، من فکر می‌کنم نظیر این پیشامدها در گروه‌ها زیاد رخ داده».

ابراهیم‌زاده: مرز تئاتر و آماطور و حرفه‌ای نامشخص است

سیروس ابراهیم‌زاده، کارگردان و بازیگر پیش‌کسوت تئاتر و سینمای ایران که تجربه‌ی بازی در نمایش‌هایی نظیر «اتللو» را از سال‌های دهه ۴۰ به کارنامه خود دارد، دستمزد بازیگران در تئاتر را موضوعی اساسی و مهم تلقی می‌کند و در این‌باره می‌گوید: «اگر کسی بخواهد به طور حرفه‌ای در تئاتر کار کند، باید درآمدی ثابت و مکفی داشته باشد. گرچه من معتقدم تا وقتی حدموز تئاتر حرفه‌ای و آماتور مشخص نشده، وضعیت دستمزد‌ها در تئاتر هم بلا تکلیف است. مناسبات امروز اقتصاد تئاتر، به‌شدت برایم گنگ است. تئاترها دیگر هیچ کمک دولتی‌ای ندارند، حتی در سالن‌های دولتی! معلوم نیست چه کسی برای تئاتر پول می‌آورد و چه کسی از تئاتر پول می‌برد! اما عشق و علاقه و استواری جوان‌های تئاتری پیداست. از سویی سیل علاقه‌مندان تئاتر را می‌بینیم که چراغ تئاتر را روشن نگاه داشته‌اند و برای آن هزینه می‌کنند. جوان‌هایی هم هستند که به نیت اینکه در تئاتر دیده شوند، حتی از جیبشان برای بازی در تئاتر خرج می‌کنند! بنابراین درباره این قشر دستمزد معنا ندارد. از سوی دیگر موضوع دستمزد ستاره‌های سینما که به تئاتر کوچ می‌کنند و مخاطب هم دارند و دستمزد بالا می‌گیرند مطرح است. این افراد حتما قراردادهای توافقی دارند و بر اساس آن دستمزد می‌گیرند».



دادستان نیشابور آیا با خود اندیشیده است که در مقابل هجوم بیش از ۱۰ هزار کانال ماهواره‌ای که هرروزه به عریان‌ترین شکل انواع و اقسام موسیقی‌های عجیب و غریب از فرهنگ‌های دیگر را به خورد جوانان این مرزوبوم می‌دهند، چه جایگزینی باید به آنها بدهد؟

نگارنده و بسیاری چون من که سال‌هاست درد و دغدغه فرهنگ و تمدن ایران و اسلام در وجودمان ریشه زده است، بر این باوریم که با این کارها، آب در آسیابی ریخته می‌شود که نتیجه‌اش کیسه‌های آردی است که با آن نان‌های نفوذ فرهنگ بیگانگان پخته می‌شود.

ابراهیم‌زاده به مقایسه نحوه پرداخت امروزی دستمزد بازیگران با سال‌های نخست فعالیت خود می‌پردازد: «پیش‌ترها معمولاً قراردادی منعقد نمی‌شد و ما در یک نقش تمرین می‌کردیم و برای دوران تمرین دستمزدی نمی‌گرفتیم اما وقتی روی صحنه می‌رفتیم، هفته‌ای یک بار حقوق می‌گرفتیم که این دستمزد‌ها از شبی چهار یا پنج تومان شروع می‌شد و بسته به سابقه و نقش و... بالاتر می‌رفت. اولین قراردادی که در تئاتر بستم، در سال ۱۳۳۴ با زنده‌یاد مصطفی اسکویی بود؛ در تئاتر آناهیتا برای بازی در نمایش «اتللو» از قرار شبی ۱۵ تومان، که یک‌ماهش می‌شد ۴۵۰ تومان. البته در کمال تأسف، آن تئاتر فروش خوبی نکرد و اسکویی نتوانست دستمزد‌ها را بدهد». با این اوصاف، به نظر می‌رسد از گذشته دستمزد‌ها در تئاتر متکی به درآمد و فروش یک نمایش بوده.

معجونی، کله‌مند از قرارداد تیپ

محمدحسن معجونی، بازیگری که کارگردان هم هست و گروه تئاتر لیو را اداره می‌کند، همچون آدینه دل خوشی از قراردادهای تیپ ندارد. می‌گوید: «قراردادهای تیپ بی‌فایده بود و سقفی تعیین می‌کرد که بازیگر تازه‌کار هم می‌توانست در چند سال آن سقف را پر کند و دستمزدش با کسی مثل من که فقط سالی یک کار می‌کنم برابری کند، درواقع این قراردادهای مشکلی اساسی داشتند. بازیگری تازه‌کار می‌توانست با حضور در کارهای متعدد به سقف قرارداد برسد، در حالی که دستمزد ما از اول منطق با سقف قرارداد بود و در این سال‌ها هیچ تغییری هم در دستمزد‌ها ایجاد نمی‌شد». معجونی به مقایسه وضعیت پیشین و وضعیت کنونی می‌پردازد و وضع موجود را چنین ارزیابی می‌کند: «امروز دستمزد با توافقی بین گروه بازیگران و مدیر تولید تعیین می‌شود. البته حالا هم تعیین دستمزد قواعدی دارد، اما هر بازیگری می‌تواند مبلغ مورد نظرش را پیشنهاد بدهد و گروه اجرایی آن را بپذیرد یا نپذیرد. مزیت وضع کنونی نسبت به قراردادهای تیپ این است که دیگر لازم نیست آدم‌ها تذتند بخواهند بازی در هر پروژه‌ای را بپذیرند تا پرونده‌شان را قطورتر کنند و برای رسیدن به سقف دستمزد مسابقه دهند. با این روش جدید، انصاف رعایت می‌شود و تکلیف آدم‌ها معلوم‌تر است». کارگردان «ستوان اینیشمور» و بازیگر «سالگشتکی» البته آفتی را برای این شیوه تازه نیز برمی‌شمرد: «محدویت تعداد اجراها به‌خاطر سازوکار و برنامه‌ریزی سالن‌ها، بعضی تئاترها را می‌تواند دچار مشکل کند. چون وقتی نمایشی خوب می‌فرشود، صرفاً به خاطر مهلتی که صاحب سالن تعیین کرده مجبور است اجرا را تمام کند اما اگر این مهلت، محدود نبود تئاترها می‌توانستند درآمدزایی به‌صرفه‌تری داشته باشند».

چالش پرداخت عادلانه دستمزد در تئاتر، همان‌طور که کلاب آدینه گفت بیش از هرچیز به بلا تکلیف نبودن گروه‌های تئاتری و بازیگران تئاتر برمی‌گردد؛ شاید به همین خاطر است که روزی قرارداد تیپ وضعیتی نامطلوب را رقم می‌زند، و روزی دیگر قراردادهای توافقی، یا حتی گاهی کمک‌های دولتی اعتراض عده‌ای را به همراه دارد.

چهره روز

حمایت تیریزی از جشنواره فیلم سبز



● فرانک آرتا: کمال تیریزی، کارگردان سینما، با اعلام این مطلب که «من و رضا میرکریمی، مدیرعامل خوش‌فکر و دوست‌داشتنی خانه سینما، مدتی است با هم در فکر ایجاد پویش گسترده از سوی سینماگران ایرانی برای حفظ محیط‌زیست هستیم»، حمایت خود را از برگزاری پنجمین جشنواره فیلم سبز ابراز کرد. او در ادامه افزود: «چندبار در مورد کم‌کوف این پویش با هم گفت‌وگو کردیم، ولی متأسفانه هنوز به مرحله عملی نرسیده! که تصور می‌کنم علت اصلی آن مشغله بیش از حد هردو ماست. اما باین‌حال وجود چنین پویشی بسیار مهم است».

تیریزی که با فیلم «طعم شیرین خیال» در بخش سینمای ایران «پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم سبز» حضور دارد، با تأکید بر این نکته که فیلم و سینما به‌شدت در شکل‌گیری و آموزش فرهنگ حفاظت محیط‌زیست نقش مؤثری دارند، تصریح کرد: «فرهنگ‌سازی تنها راه‌حل برای حفاظت از محیط‌زیست و مشکلات مربوط به آن نیست، گاهی هم باید از متخلفان محیط‌زیست جریمه گرفته شود تا به عاملی بازدارنده برای تخریب طبیعت تبدیل شود». این کارگردان سینما که فیلم «دوندۀ زمین» او امین‌روzza در گروه هنروتجربه در حال اکران است، درباره دغدغه‌های محیط‌زیستی‌اش گفت: «محیط‌زیست دغدغه اصلی من است و افرادی که من را از نزدیکی می‌شناسند حساسیت بیش‌از‌حد‌م را در این‌باره می‌دانند. به همین دلیل اگر دوباره پیشنهادی نظیر ساخت فیلم «طعم شیرین خیال» به من بدهند که اولین تمایل همکاری من با دکتر حسین‌نژاد درباره محیط‌زیست بود، بدون تردید آن را خواهم بپذیرفت». کمال تیریزی افزود: «نه‌تنها در سینما و در میان هنرمندان کشورمان بلکه در همه نقاط جهان اساساً هنوز خطری که محیط‌زیست بشر را تهدید می‌کند به نحوی که با تمام وجود آن را فهمیده باشیم، جدی گرفته نمی‌شود». او همچنین تأکید کرد: «رفتارهای غلطی همچون اعتیاد در ما نهادینه شده و متأسفانه حاضر به ترک آنها نیستیم! به همین شکل هم هنوز تعداد کسانی که محیط‌زیست واقعاً برایشان جدی باشد، زیاد نیست و توجه لازم را به این موضوع ندارند!»

پیشنهاد روز

نمایش آثار صابر میکاییلی در موزه رضا عباسی

● شرق: نمایشگاه آثار نقاشیخط صابر میکاییلی به مناسبت هفته موزه و میراث فرهنگی در موزه رضا عباسی تهران برپا می‌شود. این نمایشگاه که دربرگیرنده ۱۶ نقاشیخط محصول سال‌های ۹۴ و ۹۵ این هنرمند سندنجی است، دهمین نمایشگاه انفرادی اوست که در داخل و خارج از کشور برپا می‌شود. صابر میکاییلی که فارغ‌التحصیل دوره فوق ممتاز از انجمن خوشنویسان ایران است به غیر از خوشنویسی سنتی قریب به ۱۸ سال است که درزمینه گرایش‌های نوین خوشنویسی- نقاشیخط و مجسمه - فعالیت دارد. نمایشگاه آثار این هنرمند از روز ۲۲ اردیبهشت لغایت سوم خرداد همه‌روزه از ساعت ۹ الی ۱۸ به آدرس تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به پل سیدخندان، موزه رضا عباسی برپاست و پذیرای علاقه‌مندان خواهد بود.

خیریه فرهاد

حمایت از زنان بی سرپرست مبتلا به سرطان
یار یکدیگر باشیم

شماره کارت: ۰۷۷۳-۸۰۰۰-۰۶۱۰-۶۲۲۱

شماره حساب: ۰۲۱۱۲۳۳۴۷ بانک پارسیان

شماره ثبت: ۲۷۴۸۹

شماره تماس: ۸۸۷۷۱۱۲۱

آدرس تهران میدان ونک خ ملاصدرا تقاطع کردستان پلاک ۶۴

وب سایت: www.farhad-charity.com

با سپاس از یاری نیکوکاران عزیز، در انتظار همیاری شما بزرگواران هستیم.

